



کاربرد شتر در کنایات و ضرب المثل های عامیانه

حسن برجی

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hborji@um.ac.ir

ضرب المثل ها نمونه هایی مشخص و برجسته از فرهنگ عامیانه اند که گاه در نثری کوتاه و آهنگین و گاه در مصرعی یا بیتی به شکلی فشرده و موجز نمود می یابند. بسیاری از مثل ها چکیده یک تمثیل مفصل یا یک داستان بلند عامیانه اند که در کوتاه ترین و زیبا ترین شکل ممکن بروز یافته و بر زبان خاص و عام جاری اند.

جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند همواره در ادبیات فارسی نقش زیادی داشته اند. یکی از قدیمی ترین و کهن ترین روش های ادبیات فارسی استفاده تمثیلی از حیوانات است .

در ادبیات عرب نیز حیوانات نقش های مهمی داشته اند و از سویی با توجه به طبیعت بادیه نشینی در سرزمین عرب از حیوانات بسیار نام برده شده است و در تبیین اشعار آمده است .

حیوانات دست کم دو هزار سال پیش وارد ادبیات ایران شدند، ورود جانوران به ادبیات به زمانی باز می گردد که تخیل وارد ادبیات شد .

بدین منظور در این نوشتار در دو بخش مجزا و متفاوت به ارائه زیبا ترین مثل های فارسی و مثل عامیانه اقوام مختلف ایرانی در باب شتر می پردازم.

در بخش اول با توضیحی کوتاه تنها به انعکاس ضرب المثل های معروف و تفسیر آن در باب شتر بسنده کرده ام.

در بخش دوم به ریشه یابی و بیان شان تعدادی از این مثل های معروف پرداخته ام و در این میان منابع مختلفی مورد استفاده قرار داده ام.

در اینجا ذکر این نکته الزامی است که همه آنچه در این دو بخش اشاره شده است در تعریف خاص ضرب المثل نمی گنجد و در اصل برخی از موارد ذکر شده از منظر علم بیان ، مفید معنی کنایه است. در اصل اینگونه موارد کنایه های معروف فارسی اند که به

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



دلیل کثرت استعمال با قدری تسامح عنوان ضرب المثل یا مثل سائره یافته اند. با همه این احوال حتی چنین کنایه هایی در تعریف عام ضرب المثل می گنجد.

در مورد بخش اول به برخی ضرب المثل هایی که در سیر قرون مختلف در فرهنگ ایران بر پایه نقش شتر منعقد شده و بین افواه متداول گشته است، اشاره می شود.

- ۱- این شتری است که در خانه هر کس می خوابد: مرگ برای همه است.
- ۲- به شتر گفتند چرا گردنت کج است گفت کجایم راسته: کسی که کارها و رفتار او بر خلاف معمول باشد.
- ۳- شتر با بارش گم شد: به محل بسیار شلوغ نا امن گویند.
- ۴- شتر دیدی ندیدی: آنچه دیدی یا شنیدی بازگو نکن.
- ۵- شتر سواری دولا دولا نمیشه: این کار پنهان شدنی نیست.
- ۶- شتر در خواب بیند پنبه دانه --- گهی لف لف خورد گه دانه دانه: آدمی که آرزوهای دور و دراز داشته باشد.
- ۷- شتر بزرگه زحمتش هم بزرگه!
- ۸- شتر خوابیده شم بلندتر از خر ایستاده است!
- ۹- شتر اگر مرده هم باشد پوستش بار خره!
- ۱۰- شتر را چه به علاقه بندی؟
- ۱۱- شتر را گفتند: چرا شاشت از پسه؟ گفت: چه چیزم مثل همه کسه!
- ۱۲- شتر را گفتند: چکاره ای؟ گفت: علاقه بندم. گفتند: از دست و پنجه نرم و نازکت پیدا است!
- ۱۳- آن یکی می گفت استر را که هی --- از کجا می آیی ای فرخنده پی
- گفت: از حمام گرم کوی تو --- گفت: خود پیدا است از زانوی تو!
- ۱۴- شتر را گم کرده پی افسارش میگردد!

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran
دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



۱۵- شتر که نواله میخواد گردن دراز میکنه!

۱۶- شتر کجاش خوبه که لبش بده ؟!

۱۷- شتر گاو پلنگ!

۱۸- شتر مرد و حاجی خلاص!

۱۹- شتر مرغ را گفتند: بار بردار. گفت: من مرغم. گفتند: پرواز کن. گفت: من شترم!

۲۰- شترها را نعل میکردند، کک هم پایش را بلند کرد!

۲۱- تخم دزد، شتر دزد میشه

۲۲- شتر اگر مرده هم باشه پوستش بار خره"

۲۳- شتر را گم کرده، دنبال افسارش می گرده"،

۲۴- دور از شتر بخواب، خواب آشفته نبین"

در مورد بخش دوم نیز به عنوان نمونه به ریشه یابی و بیان شان تعدادی از مثل های معروف پرداخته ام .

آنکه شتر را به پشت بام برد خودش باید پایین بیاورد

داستان:

اگر چه عبارت مثلی بالا به همین صورت بر سر زبانهاست ولی با توجه به جریانی که روی داده فکر می کنم به این صورت باید تغییر داده شود «آنکه الاغ را به پشت بام برد خودش باید پایین بیاورد» و شاید همین واقعه موجب شده باشد که عبارت بالا جز امثله سائره در آید.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



در اوایل سلسله قاجاریه یک نفر پهلوان کشتی از شهر اسلامبول به ایران آمد و در منطقه آذربایجان با هر پهلوان ایرانی که کشتی گرفت همه را مغلوب کرد. در شهر تهران هم مبارز و هم‌آوردی برایش باقی نمانده بود و قصد مراجعت به خاک عثمانی - ترکیه امروز - را داشت که به وی خبر دادند در شهر یزد پهلوان نامداری به نام پهلوان عسگر - اصغر - زندگی می‌کند که تا کنون کسی نتوانسته پشت او را به خاک رساند.

پهلوان اسلامبولی با خود اندیشید که اگر پشت این پهلوان را به خاک نرساند دور از جوانمردی است که در عالم پهلوانی ادعای قهرمانی کند. پس درنگ و تامل را جایز ندیده راه یزد را در پیش گرفت تا هم دیداری از بلاد مرکزی ایران کرده، ره آورد سفر ایران را تکمیل نماید و هم با پهلوان یزدی که شهرتش همه جا را فرا گرفته دست و پنجه ای نرم کرده باشد.

خلاصه بار سفر بست و پس از چند روز طی مراحل وارد یزد شد و در حضور جمعی کثیر از معاریف و جوانان و ورزشکاران با پهلوان عسگر کشتی گرفت. این کشتی که در آخر به گلاویزی کشیده بود، سرانجام به فتح و غلبه پهلوان عسگر یزدی منتهی گردید و پهلوان اسلامبولی به وطن مالوفش بازگشت.

پدر پهلوان عسگر که انتظار چنین فتح و فیروزی را نداشت و هرگز تصور نمی‌کرد که قدرت و توانایی فرزند برومندش تا به این پایه باشد از فرط سرور و خوشحالی مقرر کرد که بقال سرگذر هر روز مقدار کافی شکر سفید در اختیار فرزندش بگذارد تا شربت کند و به منظور رفع خستگی و ازیاد قدرت بنوشد، زیرا سابقاً معمول بود و اخیراً تجارب علمی هم نشان داده است که قهرمانان ورزشی با مصرف کردن شکر به مقدار قابل توجهی انرژی و قدرت بیشتر کسب کنند و با زحمت کمتری پیروز شوند. باری، دستور پدر تا مدت چند ماه ادامه داشت و کار پهلوان یزدی این بود که همه روزه به سراغ بقال سرگذر برود و مقرری شکر را اخذ نماید. چون چندی بدین منوال گذشت، روزی بقال سرگذر از دادن شکر امتناع کرد و در مقابل اصرار و پافشاری پهلوان عسگر اظهار داشت که پدرش جیره او را قطع کرده و دیگر حاضر نیست بیش از این پول شکر بدهد. پهلوان عسگر پیش پدر رفت تا او را از این تصمیم باز دارد ولی هر چه بیشتر اصرار و الحاح کرد کمتر نتیجه گرفت. در این موقع فکر بکری به خاطرش رسید و شب هنگام که تمامی اهل خانه در خواب خوش غنوده بودند، به طویله رفت و الاغ مرکوب پدرش را بیرون کشید. سپس نردبانی از پای طویله به پشت بام خانه گذاشته الاغ را بر دوش گرفت و با قدرت و نیروی شگرف خود به پشت بام برده و افسارش را در گوشه ای میخکوب نمود. بامدادان که اهل خانه بیدار شدند. طویله را خالی و الاغ را بر پشت بام دیدند. پدر پهلوان عسگر چون به جریان قضیه واقف شد در مقام چاره جویی برآمد و مقصودش این بود که الاغ را به هر وسیله ای که ممکن باشد بدون کمک و یاری فرزند پهلوانش پایین بیاورد. پس چند تن پهلوان نیرومند را به خانه آورد و از آنها استمداد نمود. پهلوانان موصوف هر قدر فعالیت کردند نتوانستند الاغ را از آن بام رفیع به زیر آورند، زیرا تنها راه چاره و علاج این بود که الاغ را بر دوش گیرند و پله پله از نرده بان پائین آیند، در حالی که انجام چنین کاری از عهده آنها خارج بود. هیچ کدام چنان نیروی شگرفی نداشتند که چنین کار خطیری را انجام دهند.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran
دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



پس با نهایت یاس و شرمندگی به پدر پهلوان عسگر اطلاع دادند که این کار را از ناحیه هیچ کس در یزد ساخته نیست و آنکه الاغ را به پشت بام برد خودش باید پایین بیاورد. پدر پهلوان عسگر یزدی چون بار دیگر به نیروی خارق العاده فرزند سطر بازویش واقف گردید او را مورد نوازش قرار داد و مقرری شکر را دوباره برقرار کرد.

کینه شتری

بشر نه تنها جایز الخطاست بلکه واجب الخطاست!! و از این رو بسیاری از اعمال و رفتار آدمی که ناشی از اشتباه یا علت جهالت و جوانی باشد قابل عفو و بخشایش است ولی بعضیها که لذت عفو را نپسندیده اند در انتقام و کینه توزی چنان یکدنده و مقاوم هستند که به هیچ وجه حاضر نمی شوند ذره ای از انتقامجویی خارج شوند و قلم عفو و اغماض بر جریده جرایم و خطایا بکشند. کینه توزی این گونه افراد لجوج و یکدنده در عرف اصطلاح به کینه شتری تعبیر شده است و در مقام کینه های پی گیر به آن استشهاد می کنند. به طوری که تاکنون از لطف علمای حیوان شناسی مطالعه و تحقیق به عمل آمده شتر مهربانترین و قانعترین حیوانات جهان شناخته شده است طاقت و توانایی این حیوان بارکش در برابر تشنگی و گرسنگی آن هم در بیابانهای بی کران و ریگزارهای سوزان واقعاً عجیب و شگفت انگیز است.

نکته بسیار شایان توجه در موضوع شتر آن است که این حیوان را شیوه راه رفتن می آموزند و قدوم آن را با صدایی آهنگ دار و موزون هدایت می کنند. شتر گامهای خود را با آهنگ نغمه منظم می کند و مطابق وزن صدا آرام یا تند حرکت می کند و نیز هنگامی که نمی خواهند در یک مسافت فوق العاده طولانی او را راه ببرند ساربانان آهنگ مطلوب حیوان را ترنم می کنند. در عربستان شتر نر را لوک و شتر ماده را ناقه می گویند ولی در کویر ایران به ویژه در اطراف کاشان شتر نر را لوک و شتر ماده را ارونه و همچنین نوزاد ماده را معجی و نوزاد نر را هاشی می خوانند.

کینه شتری کینه پی گیری است که تاکنون سابقه نشان نداده که پذیرایی و ملاحظت مجدد ساربان بتواند آن را تعدیل نماید. شتر خشمگین همواره منتظر فرصت مناسب است که انتقامش را از ساربان متجاوز بگیرد. عجب در این است که شتر مست و دیوانه به ساربان مورد نظر هنگامی که در جمع قرار دارد هرگز حمله نمی کند. فقط نگاه خشم آلودش را که شراره انتقام از آن می بارد به چشمان آن ساربان می اندازد و با دهان کف آلود پیایی نعره های چندش آور و هولناک سر می دهد زیرا لوک کینه توز در عین مستی و دیوانگی خوب احساس می کند که اگر در میان جمع به ساربانی که اذیتش کرده حمله کند ساربین با چوب و چماق به جانش می افتند.

وای به روزی که شتر مست و کینه توز آن فرصت مناسب را به چنگ آورد و ساربان مورد نظر را بیکه و تنها در بیابان گیر بیاورد. البته ساربانان برای این طور مواقع راه چاره و علاجوی اندیشیدند که به لیاقت و زرنگی آنان بستگی دارد. وقتی ساربان در بیابان مورد حمله لوک خشمگین قرار گرفت راه نجاتش این است که در حال فرار از شتر، لباسهایش را یکایک در آورد و به پشت سرش بیندازد. در اینجاست که شتر گول می خورد و به جای ساربان که در حال فرار است لباسی را که جلوی او افتاده به دندان می گیرد و تنه سنگین خود را روی آن می مالد.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



سپس مجدداً با لنگهای درازش به تعقیب ساریان می پردازد و خود را به او می رساند. ساریان یک تکه دیگر از لباسهایش را می اندازد و خلاصه به این ترتیب تا آخرین تکه لباس خود را بیرون آورده در حال فرار جلوی شتر انتقامجو می اندازد. چنانچه تا زمانی که لباسهایش تمام شد توانست خود را به آبادی یا پناهگاهی برساند بدون شک نجات خواهد یافت و گرنه مرگش حتمی است آن هم چه مرگ فجیع و دلخراشی.

جایی رسیده که شتر رو با نمذ داغ میکند

یه شتر به شتر دیگه از دست صاحبش شکایت می کرد که گفت: صاحبم از بس بار من میکنه که طاقتم طاق میشه

شتر دیگه گفت: بارت چیه اون شتر جواب داد: معمولاً نمک

شتره گفت: اگر توی راهت جوی ابی چیزی دیدی توی جوب اب بخواب تا نمک ها اب بشه و بارت سبک حال صاحبتم جا میاد شتره به حرف دوستش عمل کرد و صاحبش فهمید که خوابیدن شتر از ناتوانی نیست و دفعه بعد صاحب شتر نمذ بار شترش کرد و شتر هم از همه جا بی خبر توی جوی اب خوابید و وزن بارش اینبار چند برابر شد و صاحبش به زور شلاق اون رو از زمین بلند کرد و به راه انداخت

و این مثل شد که کار به جایی رسیده که شتر رو با نمذ داغ میکند

نه شیر شتر می خواهیم نه دیدار عرب

خانواده ای ایلپاتی و عرب در صحرائی چادر زده بودند و به چراندن گله خود مشغول بودند. یک شب مقداری شیر شتر در کاسه ای ریخته بودند و زیر حصین گذاشته بودند. از قضا آن شب ماری که همان نزدیکی ها روی گنجی خوابیده بود گذارش به زیر حصین افتاد و شیر توی کاسه را خورد و یک دانه اشرفی آورد و به جای آن گذاشت.

فردا که خانواده ایلپاتی از خواب بیدار شدند و اشرفی را در کاسه شیر دیدند خوشحال شدند و شب دیگر هم در کاسه، شیر شتر کردند و در همان محل شب پیش گذاشتند. باز هم مار آمد و شیر را خورد و اشرفی به جای آن گذاشت و رفت.

این عمل چند بار تکرار شد تا اینکه مرد عرب ایلپاتی گفت: «خوبست کمین کنم و کسی را که اشرفی ها را می آورد بگیرم و تمام اشرفی هاش را صاحب بشوم» شب که شد مرد عرب کمین کرد. نیمه شب دید ماری به آنجا آمد مرد عرب تیر را انداخت که مار را بکشد. تیر به جای اینکه به سر مار بخورد دم مار را قطع کرد و مار دم کله فرار کرد. بعد از ساعتی که مرد عرب به خواب رفت مار برگشت و پسر جوان او را نیش زد. ایلپاتی عرب صبح که بیدار شد دید پسر جوانش مرده او را به خاک سپرد و از آن صحرا کوچ کرد.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



بعد از مدتی قحط سالی شد. بیشتر گوسفندها و حیوانات مرد عرب مردند. مرد عرب با زنش مشورت کرد و عزم کرد که برگردد به همان صحرائی که مار برایشان اشرفی می آورد. به این امید که شاید باز هم از همان اشرفی ها برایشان بیاورد.

القصة به همان صحرا برگشتند و مثل گذشته شیر شتر را در کاسه ریختند و در انتظار نشستند. تا اینکه همان مار آمد ولی شیر نخورد و گفت: «برو ای بیچاره عقلت بکن گم - تا ترا پسر یاد آید مرا دم، نه شیر شتر نه دیدار عرب.»

تجاوز تعدی به حقوق دیگران را در عرف اصطلاح ظلم و ستم می خوانند ولی هرگاه این تجاوز به صورت چپاول و تاراج انجام پذیرد فی المثل اموال افراد ضعیف یا جمعیت و یا مثال دولت را آن چنان به یغما ببرند که نه از تاک و نه از تاک نشان اثری باقی بماند، در این صورت اصطلاحاً گفته می شود: «مگر گوشت شتر قربانی است.»

باید دید گوشت شتر قربانی چه خواص و مزایایی داشته که به صورت ضرب المثل در آمده است.

عید قربان یا عید اضحی یادگار حضرت ابراهیم خلیل و تصمیم وی در قربانی کردن فرزندش حضرت اسماعیل است که به فرمان الهی گوسفندی را به جای اسماعیل قربانی کرد.

روز عید قربان روز دهم ذیحجه هر سال هنگام انجام مناسک در منی است. در این روز زائران بیت الله و هر مسلمان مستطیعی موظف است به فرار خور تمکن و قدرت مالی گاو یا گوسفند و یا اقلاً مرغی را قربانی و در راه خدا انفاق کند.

به طوری که از مندرجات کتب تاریخی استنباط گردید شتر قربانی به شکلی که مورد بحث است از زمان سلاطین صفویه در ایران معمول گردید و سیاح ایتالیایی پیتر و دولواله که معاصر شاه عباس کبیر بود در این زمینه می نویسد: اکنون به شرح شتر قربانی که در این روزهای اخیر ناظر آن بودم می پردازم. قربانی بدین ترتیب انجام می شود که سه روز قبل از عید یک شتر ماده را در حالی که به گل بنفشه و گل‌های دیگر و حتی سبزی و برگ و شاخه های گل زینت داده بودند در شهر می گردانند و برای او نقاره و طبق و شیپور می زنند و یک نفر ملا یعنی روحانی مسلمانها نیز گاهگاه اشعاری می خواند و سخنان دینی بر زبان جاری می سازد.

هر جا این شتر می گذرد مردم دور او جمع می شوند و دسته ای از پشم او را به عنوان تبریک و تیمن می کنند و حفظ می کنند... این جریان سه روز به طول می انجامد. سپس در روز عید، صبح خیلی زود یعنی قبل از سر زدن آفتاب بعد از نماز صبحگاهی تمام سران و بزرگان حتی خود شاه هر جا که هست با جمع کثیری از مردم، از هر طبقه و دسته، جمعی سوار و جمعی پیاده در محلی خارج از شهر، مثلاً در اصفهان در محلی که اقللاً دو میل با دیوار شهر فاصله دارد، با سلام و صلوات و سر و صدا جمع می شوند.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



«در آنجا حلقه بزرگی مرکب از تماشاچیان تشکیل می شود که افراد سرشناس سوار بر اسب در وصف اول آن قرار دارند و به همین ترتیب پیاده و سواره طبقات مختلف در پشت آن قرار گرفته اند و در این سه روز همه سعی می کنند بهترین لباسهای خود را به تن کنند. «جماعت بی صبرانه در انتظار باقی می ماندند تا اینکه حیوان با همان تشریفات از راه برسد و قبلاً نیز حیوان را در طولترین خیابانهای شهر گردانیده اند چون در مشرق زمین پنجره رو به خیابان وجود ندارد مردم از بالای درب خانه ها و دکانها و دیوار باغها منظره گذشتن او را تماشا کرده اند.

«در جلو یک نفر نیزه ای را حمل می کند که دارای نوک تیز و درخشانی است و بعداً برای کشتن حیوان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وقتی دسته ای به محل مورد نظر می رسد به محوطه ای که به همین منظور در وسط جمعیت خالی مانده است هدایت می شود و از محله های مختلف نیز عده ای با اسب و عده ای پیاده و هه چماق به دست در آنجا حضور دارند که پس از انجام قربانی بلافاصله با قلدری قطعه بزرگی از لاشه را طبق آداب و رسوم به محله خود ببرند. در موقع عبور حیوان از وسط جمعیت مردم بیش از پیش پشم او را می کنند و بعد هر کسی در جایی قرار می گیرد و منتظر عاقبت کار می شود.

«البته من نتوانستم به خوبی این جریان را بینم ولی قبلاً شنیده بودم با عنوانترین فرد حاضر باید حیوان را بکشد و دیدم که حیدر سلطان یعنی نگهبان حرمسرای شاه که با لباس فاخر رو به روی اسب تزئین شده ای قرار گرفته بود نیزه ای را طوری به دست گرفت که نوک تیزش رو به عقب بوده و به ترتیبی ایستاد که حیوان سمت راست او واقع شد و سپس چنان گلوی حیوان را سوراخ کرد که نیزه تا قلبش فرو رفت.

«بلافاصله حاضرین سیل آسا به سمت لاشه هجوم بردند و هر کس با تبر و ساطور و شمشیر و کارد و هر چه که در دست داشت مشغول بردیدن تکه ای از گوشت شد... قسمتی از این گوشت را همان روز برای تبریک می خوردند و قسمتی دیگر را نمک می زنند و در تمام مدت سال برای دفع بیماری یا شفای مریض از آن استفاده می کنند. سر شتر به خانه شاه فرستاده شد و تصور می کنم همه ساله به همین ترتیب رفتار می شود...» از مراسم و تشریفات شتر قربانی به شکل و هیئت مزبور در زمان سلسله های افشاریه و زندیه اطلاع در دست نیست ولی در زمان سلاطین قاجاریه خالی از رونق نبود. به طوری که دکتر فووریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه نوشته است: «ناصرالدین شاه قاجار در روز عید قربان امر به کشتن شتری می دهد ولی چون شخصاً از مباشرت در نحر شتر اکراه دارد و از این حق شاهانه صرف نظر می کند و آن را به یک نفر شبیه خود که روز عید لباس فاخر در بر می کند و براسبی آراسته می نشیند واگذار می کند. این مرد به قدری به شاه شبیه است که تا مدتی مردم او را به جای ناصرالدین شاه می گرفتند.

مراجع جمع آوری ضرب المثلهای فارسی:

امثال و حکم - علی اکبر دهخدا

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



کشکول شیخ بهایی - بهاء الدین محمد عاملی

کشکول عطار - محمد تقی عطارنژاد

گلستان و بوستان - سعدی

قصه های مثنوی معنوی - بدیع الزمان فروزانفر

فرهنگ ضرب المثل ها - علی توکلی

فرهنگ معین

فرهنگ عوام

فرهنگ لغات عامیانه

Application of camel in proverbs and allusions